

## واکاوی مفهوم مقاومت ملی/ «کلنل پسیان» پاسدار هویت و تمامیت ارضی

تراژدی قتل کلنل پسیان در تپه‌های جعفرآباد قوچان، یکی از غم‌بارترین لحظات تاریخ مقاومت ملی است.



تراژدی قتل کلنل پسیان در تپه‌های جعفرآباد قوچان، یکی از غم‌بارترین لحظات تاریخ مقاومت ملی است، او که عمری را در راه پاسداری از مرزها و عزت ایران سپری کرده بود با تحریک استعمار به شهادت رسید. به گزارش خبرنگار مهر، تاریخ ایران زمین، بر بستری از تلاطم‌ها، تهاجم‌ها و ایستادگی‌ها بنا شده است. این سرزمین به دلیل موقعیت راهبردی و غنای فرهنگی و منابع خود، همواره در کانون توجه قدرت‌های سلطه‌گر قرار داشته و به تبع آن، مفهومی به نام «مقاومت ملی» در خون و ریشه مردمان آن عجين شده است. جنگ، به عنوان یکی از پدیده‌های ناگوار اما گریزناپذیر بشری، در تاریخ ایران صرفاً ابزاری برای جهان‌گشایی نبوده، بلکه در بسیاری از مقاطع، پاسخی مشروع و اخلاقی به تجاوز بیگانه برای حفظ تمامیت ارضی، هویت فرهنگی و استقلال سیاسی بوده است. انگیزه ایرانیان در طول سده‌ها برای رویارویی با دشمنان، نه از میل به تخریب، بلکه از عشقی عمیق به خاک و باوری استوار به حق حاکمیت ملی سرچشمه گرفته است. این روحیه مقاومت، در هر دوره‌ای از تاریخ در کالبد قهرمانانی متجلی شده که نامشان با آزادی و شرف گره خورده است؛ از دوران باستان و مقابله با تهاجم‌های ویرانگر شرق و غرب گرفته تا دوران معاصر که ایران به میدان بازی قدرت‌های استعمارگر بدل شده بود. در این میان، محمدتقی خان پسیان، ملقب به کلنل، یکی از درخشان‌ترین چهره‌هایی است که مفهوم مقاومت را از سطح یک ایده

انتزاعی به یک مکتب عملیاتی و اخلاقی تبدیل کرد. مقاومت ملی در ایران، همواره پاسخی به «جنگ‌های تحمیلی» بوده است. وقتی از جنگ تحمیلی سخن می‌گوییم، به وضعیتی اشاره داریم که یک ملت بدون تمایل به توسعه طلبی، ناچار می‌شود برای دفاع از کیان خود دست به سلاح ببرد. در چنین شرایطی، انگیزه‌ها فراتر از معادلات نظامی می‌روند و رنگ و بوی اعتقادی و میهن پرستانه به خود می‌گیرند. در دوران قاجار و اوایل پهلوی، ایران با مداخلات بی سابقه روسیه و بریتانیا روبه‌رو بود. این قدرت‌ها نه تنها مرزهای جغرافیایی، بلکه غرور ملی ایرانیان را نیز نشانه رفته بودند. در این اتمسفر خفقان آور، کلنل محمدتقی خان پسیان در خانواده‌ای چشم به جهان گشود که پیشینه نظامی و روحیه سلحشوری در آن نهادینه بود، او که تحصیلات نظامی خود را در ایران و سپس در آلمان گذرانده بود، تنها یک افسر ارتش نبود، بلکه روشنفکری میهن پرست، ادیب و موسیقی دان بود که درد ایران را به خوبی می‌شناخت. او به وضوح درک کرده بود که استقلال کشور بدون داشتن یک نیروی نظامی مقتدر، منضبط و متکی به دانش روز، محقق نخواهد شد.

**کلنل پسیان؛ پاسدار مرزهای هویت و تمامیت ارضی ایران**  
یکی از درخشان‌ترین فصول زندگی کلنل پسیان، دفاع بی‌امان او از خاک ایران در برابر نفوذ بیگانگان و عوامل داخلی آن‌ها بود. او معتقد بود ایران باید به دست ایرانی و با تکیه بر توان داخلی آباد شود و هرگونه وابستگی به بیگانگان، فرجامی جز ذلت نخواهد داشت. زمانی که او فرماندهی ژاندارمری خراسان را بر عهده گرفت، این منطقه با ناامنی‌های فراوان و مداخلات کنسولگری‌های خارجی روبه‌رو بود. پسیان با انضباطی آهنین و روحیه شکست‌ناپذیر، در برابر زیاده‌خواهی‌های انگلیس قد علم کرد. مقاومت او تنها در میدان نبرد نظامی نبود، بلکه او در برابر فساد اداری و نفوذ سیاسی که جاده صاف کن استعمار بودند، ایستادگی کرد. پسیان به خوبی می‌دانست که حفاظت از تمامیت ارضی، تنها به حفظ مرزهای زمینی محدود نمی‌شود، بلکه پاسداری از حاکمیت ملی در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی نیز بخشی از این مقاومت مقدس است. او در دوران حضورش در همدان و جنگ جهانی اول، در نبردی نابرابر با نیروهای متجاوز روس، چنان شجاعتی از خود نشان داد که نامش لرزه بر اندام دشمن می‌انداخت. او در تپه‌های «مصلی» همدان ثابت کرد که اراده ایرانی می‌تواند مدرن‌ترین ماشین‌های جنگی زمان را متوقف کند. برای پسیان، ایران یک کل تفکیک‌ناپذیر بود؛ از صخره‌های کردستان تا دشت‌های خراسان و از سواحل نیلگون خلیج فارس تا کرانه‌های دریای خزر، هر وجب از این خاک برای او حرمت داشت. او در نوشته‌ها و سخنانش مدام تاکید می‌کرد که «ایران را باید دوست داشت و در راه آن باید از همه چیز گذشت».

پسیان در دوران کوتاهی که در خراسان قدرت را در دست داشت، اصلاحات گسترده‌ای را آغاز کرد که هدف نهایی آن ساختن کشوری مقتدر بود که هیچ بیگانه‌ای جرات چشم‌داختن به آن را نداشته باشد. او در برابر کودتای ۱۲۹۹ و دولت سیدضیاءالدین طباطبایی موضع گرفت، نه به این دلیل که لزوماً با تغییر مخالف بود، بلکه چون می‌دید که این جریان‌ها تحت حمایت و هدایت قدرت‌های خارجی (به ویژه بریتانیا) هستند. او نمی‌توانست بپذیرد که سرنوشته ایران در اتاق‌های فکر لندن یا سن پترزبورگ رقم بخورد. قیام او در خراسان، فریاد بلند ملتی بود که از دهه‌ها تحقیر و مداخله به ستوه آمده بود. کلنل با سازماندهی نیروهای محلی و تقویت ژاندارمری، نشان داد که اگر مدیریتی دلسوز و متخصص وجود داشته باشد، ایران می‌تواند حتی در سخت‌ترین شرایط تحریم و انزوا، روی پای خود بایستد. او در حفاظت از اموال عمومی و کوتاه کردن دست غارتگران بیت‌المال چنان سخت‌گیر بود که حتی نزدیکانش نیز از تیغ عدالت او در امان نبودند.

تراژدی قتل کلنل پسیان در تپه‌های جعفرآباد قوچان، یکی از غم‌بارترین لحظات تاریخ مقاومت ملی است. او که عمری را در راه پاسداری از مرزها و عزت ایران سپری کرده بود، سرانجام نه به دست دشمن خارجی، بلکه با توطئه عوامل داخلی و تحریکات استعمار به شهادت رسید. با مرگ او، ایران یکی از نوابغ نظامی و یکی از خالص‌ترین فرزندان خود را از دست داد. اما میراث او باقی ماند. پسیان ثابت کرد که مقاومت هزینه‌دار و بزرگترین هزینه آن، گذشتن از جان است. او با خون خود آبیاری‌کننده نهال

استقلال طلبی در ایران شد. امروزه وقتی از تمامیت ارضی و امنیت ملی سخن می‌گوییم، نمی‌توانیم نام پسیان را نادیده بگیریم. او الگویی از پیوند میان دانش نظامی، اخلاق حرفه‌ای و عشق بی‌حدوحدصر به میهن بود. در تحلیل نهایی، مقاومت ملی ایرانیان که در چهره‌هایی چون کلنل پسیان تبلور یافته، نشان‌دهنده یک حقیقت تاریخی است: ملت ایران هرگز در برابر ظلم و تجاوز تسلیم نخواهد شد. چه در میدان‌های جنگ کلاسیک و چه در نبردهای دیپلماتیک و اقتصادی، روح پسیان‌ها در کالبد مدافعان این مرز و بوم جاری است. تاریخ به ما آموخته است که امنیت و ثبات ایران، جز با تکیه بر اراده ملی و پاسداری از ارزش‌هایی که پسیان برای آن‌ها جان داد، به دست نخواهد آمد. او معتقد بود «ایران را باید به دست خود ما آباد شود»؛ این جمله نه تنها یک شعار، بلکه یک راهبرد حیاتی برای بقای یک ملت در جهان پراشتوب است. مقاومت پسیان، مقاومت برای «ماندن» نبود، بلکه مقاومت برای «با عزت زیستن» بود. او نشان داد که حتی اگر جسم یک قهرمان در خاک بیفتد، آرمان‌های او در رگ‌های تاریخ جریان خواهد یافت و الهام‌بخش نسل‌های آینده در صیانت از تمامیت ارضی و دریایی و هوایی این سرزمین کهن خواهد بود. ایران، مدیون سرداران ایستاده‌ای است که سر دادند اما سرزمین ندادند.